

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید مبعث - 26 / آبان / 1377

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنده هم این عید شریف و سعید را به همه مسلمانان عالم و همه انسانهای آزاده و آزادیخواهان عالم و امت بزرگ اسلامی و ملت شریف و عزیز ایران و به شما میهمانان عزیز و حضار محترم صمیمانه تبریک عرض می‌کنم. روز مبعث، بی شک بزرگترین روز تاریخ بشر است؛ زیرا هم آن کسی که طرف خطاب خداوند قرار گرفت و مأموریت بر دوش او گذاشته شد - یعنی وجود مکرم نبی بزرگوار اسلام صلی الله علیه وآله وسلم - بزرگترین انسان تاریخ و عظیمترین پدیده عالم وجود و مظهر اسم اعظم ذات اقدس الهی است؛ یا به تعبیری خود اسم اعظم الهی وجود مبارک اوست و هم از این جهت که بر دوش این انسان بزرگ گذاشته شد - یعنی هدایت مردم به سوی نور، برداشتن بارهای سنگین از روی دوش بشر و تمهید یک دنیای مناسب وجود انسان و بقیه وظایف لایتنهای بعثت انبیا - وظیفه بسیار بزرگی بود. یعنی هم مخاطب بزرگترین است؛ هم وظیفه بزرگترین است. پس، این روز بزرگترین و عزیزترین روز تاریخ است.

اگر کسی بخواهد محتوای بعثت را در چارچوب آنچه که با عقول ناقص خودمان برداشت می‌کنیم، محصور کند، یقیناً به مبعث و حقیقت بعثت و حقیقت این رسالت ظلم شده است. نمی‌شود محتوای بعثت پیامبر را به حدود فهم و دید ناقص ما محدود کرد؛ ولی اگر بخواهیم در یک جمله، بعثت و محدوده بعثت را - اگرچه لایتنهای است - تعریف اجمالی بکنیم، باید عرض کنیم که بعثت متعلق به انسان و برای انسان است؛ انسان هم لایتنهای است و ابعاد عظیمی دارد و محدود در جسم و در ماده و در زندگی چند روزه دنیا نیست؛ فقط محدود در معنویات هم نیست؛ محدود در یک قطعه مشخصی از تاریخ هم نیست. انسان، همیشه و در همه حال انسان است و ابعاد وجودی او، ابعاد لایتنهای و ناشناخته‌ای است. هنوز هم انسان موجودی ناشناخته است. بعثت، برای این انسان و برای سرنوشت این انسان و برای هدایت این انسان است.

البته در هر دوره و هر زمانی، هر فردی از افراد و هر جمعی از جمعهای بشری، به قدر استعداد و ظرفیتشان، از آن استفاده می‌کنند؛ همچنان که مسلمانان صدر اسلام توانستند از مفهوم بعثت و حقیقت بعثت استفاده کنند و این نور درخشنده را به سراسر دنیای آن روز بپراکنند و انسانهای زیادی را به راه راست هدایت نمایند و به حقیقت عبودیت بکشانند. بعد از آن، در برهه‌ای از تاریخ توانستند آن چنان مدنیت و عظمت و دانشی در عالم پدید آورند که هنوز هم از ورای دیوارهای بلند تاریخ و فواصل طولانی تاریخ، تلالوی آن دیده می‌شود و دنیا متنعم به نعم آن پیشرفت علمی و صنعتی و فکری و معرفتی و مدنی است. در همه اعصار هم هر وقت مسلمانان توانستند از اسلام بهره مناسب خودشان را بگیرند، خوشبخت شدند. هر انسانی که توانست به قدر ظرفیت خود بهره ببرد، خود را سعادتمند کرده است.

آنچه در ایران اسلامی اتفاق افتاد - یعنی آن انقلاب عظیم و تشکیل این نظام اسلامی - طرح و پرتوی از آن چیزی بود که اسلام برای انسانها آورد. ملت ایران زندگی بدی داشت. ملت ایران روزگار تاریکی داشت. از شأن انسانی خود، خیلی فاصله گرفته بود. به خاطر دوری از اسلام، به او از جهت علمی و انسانی و سیاسی و اقتصادی ستم شده بود. به برکت آشنایی با اسلام و معرفت اسلام، این ملت توانست با حرکتی عظیم، خود را به سرچشمه اسلام برساند؛ احکام اسلام را برای خودش در معرض عمل قرار دهد؛ امکان عمل به این احکام را برای خودش فراهم کند؛ به اسلام بیندیشد و از آن بهره ببرد؛ در اعماق معارف اسلام غور کند و با قرآن آشنا شود.

امروز بحمدالله در کشور ما جوانان با همان سرمایه معنویت و نورانیت و صفایی که در آنها هست، گامهای بلندی را برداشته‌اند. امروز قرآن یک امر مهجور در جامعه ما نیست. جوانان و نوجوانان با قرآن آشنا می‌شوند؛ طبقات مردم

با قرآن انس می گیرند، ارتباط پیدا می کنند و معارف قرآن را مورد استفاده قرار می دهند؛ بسیاری از احکام اسلام هم در کشور اجرا می شود. البته ما به قدر ظرفیت و توان و به قدر آنچه که همّت خود ما بود، پیش رفته ایم؛ اما این پایان راه نیست؛ این، همه ظرفیت اسلام نیست. اگر ملتی همّت کند و دلسوزان این ملت وجود خود را وقف حرکت عمومی این ملت به سمت معارف اسلامی و حقایق اسلامی کنند، آنچه که به دست آنها خواهد آمد، به قدری درخشان است که از افق حدس و گمان انسان هم خارج است. در زیر سایه اسلام، برای پیشرفت، میدان باز است؛ هم پیشرفت علمی، هم پیشرفت عملی، هم پیشرفت اخلاقی، هم پیشرفت سیاسی، هم عزّت و اعتلای مدنی و هم آزادی و عدالت و آرمانهای بزرگ انسانی. در محیط اسلامی و زیر سایه اسلام، هیچ حجاب و حدّی برای انسان وجود ندارد. بی همّتی و کم همّتی ماست، کوتاهی انسانهاست که نمی گذارد آنها از اسلام استفاده کنند. در محیط اسلامی، بازگشت به اسلام و بهره بردن از معارف اسلام، کاری عظیم است که اگر روشنفکران و اندیشمندان و دانشمندان و اهل علم و معرفت در هر کشوری از کشورهای اسلام به آن بپردازند، خواهند توانست بهره های زیادی ببرند. اسلام را آن چنان که فهم صحیح انسانی و در متون اصیل اسلامی هست، باید فهمید، باید دانست و با هدایت قرآنی از آن بهره برد. خود قرآن «تبیاناً لكلّ شیء» است؛ راهنماست، بیان است، خطّ است. در جوامع اسلامی، به اهل {P: 89} نحل:

فکر و نظر تلقین می کنند - که این تلقین هم دنباله های همان تسلط فکری غرب و فرهنگ غربی است که از سیطره تفکر اسلامی واهمه دارد - که اسلام را بایستی با ابزار و با فهم معارف غربی دانست! این طور نیست. البته همه معارف، انسان را آگاه می کنند و برای فهم بهتر مجهّز نمایند؛ اما اسلام را از خود اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را از متون اسلام باید گرفت؛ حقایق اسلام را با مصطلحات خود اسلام بایستی دانست و فهمید و مورد عمل قرار داد. اسلام مشعل راهنمای فکر و ذهن انسانها و هدایتگر انسانهاست. قرآن، کتاب هدایت و کتاب نور است. آن کسانی که به قرآن مراجعه و تدبّر می کنند و زمینه لازم و استعداد لازم را در خود به وجود می آورند، برای این که از معارف قرآن استفاده کنند، آنها می توانند از قرآن بهره ببرند. نباید ملاحظه کرد که آنچه ما از اسلام می فهمیم، در قضاوت کسانی که با اسلام میانه ای ندارند، از اسلام خوششان نمی آید و اسلام را مزاحم خودشان می دانند - چه در زمینه های اقتصادی و چه در زمینه های سیاسی - چه تأثیری دارد؛ آیا آنها خوششان می آید، آیا فهم ما را از اسلام قبول دارند یا نه؟ اسلام به عنوان هدایت انسانها در دنیایی قرار گرفت و وارد بشریت شد که از همه طرف انکار و تکذیب بود. پیامبر را با انواع تهمت‌ها متهم می کردند. شما قرآن را ملاحظه کنید؛ تعبیراتی که دشمنان پیامبر درباره پیامبر به کار می بردند، تعبیراتی است که هر انسانی را که ضعیف باشد، خرد می کند، می شکند و جرأت و جسارت او را برای بیان مراد خود از بین می برد؛ اما پیامبر اعتنایی نکرد و حرف خدا را که بر زبان او جاری و بر دل او الهام شده بود، بیان نمود و نورانیت کلام الهی کار خود را کرد.

در زمان ما نیز همین طور بود. امام بزرگوار ما وقتی وارد میدان عمل شد، آن هنگامی که در دنیا بر همه معلوم گردید که این انسان بزرگ تصمیم جدّی دارد که بر طبق اسلام عمل کند و حکومت اسلام را تشکیل دهد، همان دستگاههای تبلیغاتی که قبلاً درباره امام شاید تعبیرات ستایش آمیزی هم به کار می بردند، شروع کردند به بیان تعبیرات اهانت آمیز و تهمت آمیز و تحقیرآمیز هم نسبت به امام، هم نسبت به پیام او، هم نسبت به جامعه اسلامی، هم نسبت به اصل نظام اسلامی. اما امام اعتنایی نکرد و جامعه اسلامی ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، متفکران و مسؤولان ما، با جرأت و گستاخی و شجاعت این راه را رفتند و موفق هم شدند.

امروز نظام و دولت اسلامی، از عزیزترین دولتهای جهان است. جزو برجسته ترین مناطق سیاسی دنیا، این محوطه جغرافیایی و این محوطه سیاسی است که امروز این جا وجود دارد. ملت ما عزیز و سربلند است. دولت ما عزیز و سربلند است. چرخش کارها، چرخش صحیح و روان و بی اشکال و بدون معضل بزرگ است. اینها خیلی با اهمیت است؛ اینها به برکت اسلام است. آن فشارها، آن تهمت‌ها، آن تحقیرها، آن رمی به تعصّب کردن، آن رمی به افراطی گری و تندروی کردن اثر نکرد و ملت راه خود را ادامه داد؛ امروز هم همین طور است.

من اعتقاد ندارم که بایستی هر کس فهم خود را در اسلام مطلق کند؛ نه. این فهمیدن اسلام و فهمیدن قرآن، مثل

همه استنباطها و فهمهای دیگر، احتیاج به مقدماتی دارد؛ احتیاج به کار کردن دارد؛ احتیاج به داشتن استعدادی در حدی دارد و با تنگ نظریها، با تحجّرها و با تعصّبها سازگار نیست - همچنان که با بی بندوباریها هم سازگار نیست - لیکن حرف این است که آنچه از اسلام فهمیده می شود، آنچه از اسلام مورد قبول قرار می گیرد، آنچه به عنوان هدایت اسلامی جلو راه ما قرار می گیرد، آن را بایستی با قدرت، با شجاعت، با ایمان، با امید و با خوش بینی به آینده گرفت و رفت. راه را باید طی کرد و حرکت را باید ادامه داد و این کاری است که امروز ملت ایران می کند. امروز دولت و ملت ایران در راه اسلام ناب، در راه اسلامی که به برکت انقلاب توانستند با آن آشنا شوند، طی طریق می کنند. البته متهم می کنند؛ گاهی می گویند متعصّبند، گاهی می گویند مرتجعند، گاهی می گویند افراطی اند، گاهی می گویند تندروند. خوب؛ بگویند. از دشمن که انتظاری نیست. ما اسلام را شناخته ایم؛ به اسلام ایمان آورده ایم؛ به پیامبر اسلام عشق می ورزیم؛ به راهی که می رویم، اعتقاد داریم؛ این راه را تجربه کرده ایم و این راه را خواهیم رفت. ملت ایران این راه را خواهد رفت.

همه سعی دشمنان اسلام و دشمنان این نظام این است که این ملت را نسبت به گذشته خود بی اعتقاد کنند؛ همان گذشته درخشان و متألّی بیست ساله؛ آن دوران دهساله مشعشع حیات امام بزرگوار؛ آن دورانی که آن مرد الهی و معنوی و روحانی و نادر و حقیقتاً کم نظیر در تاریخ، در میان ما زنده بود، با ما حرف می زد، ما را راهنمایی می فرمود، چشمها را خیره می کرد، دشمنان خود را به اعجاب و تحسین وامی داشت و با مهارت و قدرت، این ملت بزرگ را از دشوارترین گردنه های تاریخ خود عبور می داد؛ آن دورانی که قاعده ای برای این ملت شد که بر اساس آن حرکت کند. می خواهند اینها را نفی کنند و از دست این ملت بگیرند. می خواهند اینها را در ذهن این ملت، محکوم کنند و محتاج اصلاح معرفی نمایند!

امروز کسانی که در این کشور در رأس قدرتند - مسؤولان این کشور، رئیس جمهور این کشور، دولت این کشور، قوای مقتنه و قضائیه این کشور - و نیز آحاد مردم این کشور، همه امام و راه امام و حرکت امام و قله های افتخار دوران امام را گرامی و عزیز می دارند و از آن صرف نظر نخواهند کرد. این تجربه ذی قیمت دوران بیست ساله بعد از انقلاب ماست. ما به برکت اسلام حرکت را آغاز کردیم؛ به برکت اسلام پیش رفتیم؛ به برکت اسلام افقهای آینده را در مقابل خودمان درخشان و متألّی کردیم؛ به برکت اسلام دشمن را مأیوس نمودیم؛ به برکت اسلام از بسیاری از دامهای دشمن جستیم؛ به برکت اسلام راه را به سوی آبادانی مادی و معنوی این کشور آغاز کردیم و پیش می رویم و پیشرفتهای زیادی هم کرده ایم. اینها به برکت اسلام است. آنچه داریم، از اسلام است. آنچه داریم، از قرآن داریم. آنچه داریم، از راهنماییهای آن مرد بزرگ داریم. می دانیم که ادامه این راه است که این ملت را خوشبخت می کند و از سرچشمه های مادی و معنوی سیراب خواهد کرد. مشکلات ما به برکت تمسک به اسلام و استقلال در همین راه، حل خواهد شد؛ که بحمدالله امروز همه مسؤولان کشور با اعتقاد تام و تمام به این حقیقت، کار می کنند، زحمت می کشند و به تلاش می پردازند.

مسلمانان عالم هرچه به اسلام نزدیکتر شوند، آن طعم عزّت را بهتر خواهند چشید؛ و هرچه با یکدیگر متحدتر باشند، امکان استفاده از اسلام را بیشتر به دست خواهند آورد. امروز مسلمانان باید از اختلافات جزئی، اختلافات طایفه ای، اختلافات تاریخی و اختلافات مذهبی عبور کنند و دست وحدت و اتحاد به یکدیگر بدهند. ان شاءالله این امت بزرگ در همه کشورهای اسلام، عقبات بزرگی را پشت سر خواهد گذاشت و ان شاءالله آینده امت اسلامی از گذشته آن به مراتب بهتر خواهد بود. امیدواریم ان شاءالله همه ملت عزیز ایران و ملت های مسلمان، به فیوضات اسلامی و قرآنی مستفیض شوند و مشمول توجهات حضرت بقیةالله ارواحنا فدا باشند و خداوند به همه مسلمانان لطف و رحمت و برکت خود را نازل کند.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته